

مقایسه الگوی خلاقیت در اسلام با الگوهای مطرح در روان‌شناسی

جعفر علی‌گلی فیروزجایی

عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی، دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی دانشگاه المصطفی. قم، ایران.

Firouzjahi@gmail.com

چکیده

درک روشن‌تر از عناصر شکل‌دهنده خلاقیت و رابطه آنها با یکدیگر به والدین، مریان و مدیران یاری می‌دهد تا هرچه بیشتر تفکر خلاق را رشد دهند و از موانع آن پیش‌گیری کنند. الگوهای موجود از خلاقیت مدعی تبیین خلاقیت هستند؛ با این حال، در معرفی برخی مؤلفه‌ها یا زیرعنصرها و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر اختلاف دارند. هدف از این تحقیق معرفی و مقایسه الگوهای خلاقیت است که توسط آماییل و اربن ارائه شده و همراه بررسی خلاقیت در اسلام و برداشت الگوی پیشنهادی از منابع اسلامی است. این مقاله با جمع‌آوری اطلاعات به روش توصیفی-تحلیلی و دلگی به این نتیجه می‌رسد که هر سه الگو با اختلاف‌هایی در جزئیات، دست‌کم بر پایه اطلاعات عمومی و تخصصی، تجربه، تفکر و انگیزش اتفاق دارند. الگوی برداشت‌شده از منابع اسلامی علاوه بر این موارد، تسهیل بستر شخصیتی و محیطی مبتنی بر ایمان و روحیه تلاش را در پدیدآیی و رشد خلاقیت مؤثر می‌داند.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، مؤلفه‌های خلاقیت، الگوی اسلامی خلاقیت.

مقدمه

امروزه جوامع بشری به علت مواجهه با تحلیل منابع طبیعی، فزونی تبادل اطلاعات و ارتباطات، وابستگی متقابل میان کشورها، سبقت برخی کشورها و سرعت فزاینده تغییرات، نیاز به پژوهش خلاقیت^۱ را بیشتر احساس می‌کنند. در این زمان افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه‌های نو و خلاقانه، همانند گرانبهاترین سرمایه‌ها، جایگاه بسیار ارزشمندی در جامعه خویش دارند به طوری که به دست آوردن نیروی خلاق می‌تواند موضوع زندگی و مرگ هر جامعه‌ای باشد (کفایت، ۱۳۷۳). به همین جهت قدرت خلاقیت ذهن، بالاتر از ضرورت برای هر اجتماعی شرط بقای جامعه و شاهکلید پیشرفت برای آنها است. برای دستیابی به این توانمندی آینده‌ساز، مدیران و مربیان نیاز دارند این توان را شناخته و سپس از خلاقیت جوانان خود برای بقا و حفظ ارزش‌ها و قدرت خود بهره گیرند.

تحقیقات متعدد خلاقیت را پدیده‌ای انعطاف‌پذیر و دارای قابلیت رشد معرفی کرده‌اند. تورنس^۲ با توجه به نتایج تحقیقات خود می‌گوید می‌توان با اهمیت‌دادن به عناصر بنیادین خلاقیت و آموزش دسته‌ای از اصول به کودکان، نسبت به زمانی که هیچ‌گونه آموزشی در این مورد ندیده باشند، ایده‌هایی با فراوانی و کیفیت بیشتر دریافت کرد (حسینی، ۱۳۷۸: ص ۷۲). خلاقیت علاوه‌بر اینکه قابلیت رشد دارد، چنانچه رها شده و یا با آن مبارزه شود استعداد زیادی برای افت و نزول دارد (شهرآری و سیدان و فرزاد، ۱۳۸۱).

خلاقیت واژه‌ای نو است و تا اندازه‌ای بیشتر در مجتمع علمی به کار می‌رود. پژوهش‌گران با توجه به جنبه‌های مختلف خلاقیت و با توجه به رویکردنی که داشته‌اند، خلاقیت را تعریف کرده‌اند. آمابیل^۳ (۱۹۹۶) خلاقیت را با توجه به محصول این‌گونه تعریف می‌کند: «به اجرای یک ایده نو و مفید برای تأسیس یک شغل یا برنامه جدید به منظور جایه‌جایی یا خدمات متفاوت خلاقیت گفته می‌شود» (آمابیل، ۱۹۹۶: ص ۲۰). تحقیقات دیگر نوبعد و ارزشمندی را لازمه هر خلاقیتی می‌دانند، مانند استین^۴ (۱۹۷۴) که خلاقیت را فرایندی می‌داند که نتیجه آن کار تازه‌ای است که توسط گروه با اهمیتی در یک زمان، به عنوان چیزی مفید و رضایت‌بخش مقبول واقع شود

1. Creativity
2. Torrance , Ellis Paul
3. Amabile Teresa
4. Stein

(آی‌گار، ۱۳۸۰: ص ۳۸۶). مایر بعد از تحلیل تعریف‌های موجود درباره خلاقیت به دو مشخصه تکرارشونده یعنی «نو و تازه‌بودن^۱» و «اهمیت و سودمندی^۲» در این تحقیقات رسید (استرنبرگ، ۱۹۹۹: ص ۴۵۰). درنتیجه خلاقیت عبارت است از «توانایی ارائه راه حل جدید و سودمند با نگاه متفاوت به مسئله. منظور از سودمندی مفید و بالرزش‌بودن است، یعنی اینکه با واقعیت در ارتباط باشند» (افروز، ۱۳۷۸: ص ۹۸؛ بیابانگرد، ۱۳۸۴: ص ۲۹۳).

شكل‌گیری برخی مفاهیم روان‌شناختی مانند خلاقیت محصول کناره‌م قرارگرفتن عناصر مختلفی است. طراحی الگو برای سازه خلاقیت، به دو منظور صورت می‌گیرد؛ نشان‌دادن عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن و همچنین، به منظور ترسیم نحوه تعامل این عوامل با یکدیگر؛ از این‌رو، «الگو» مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را در اختیار می‌نهد که به‌واسطه آن والدین، مریبان و مدیران می‌توانند مسیر خود را نشانه‌گذاری، ارزیابی و مانع‌زدایی کنند (تقوی، ۱۳۸۷).

نگاه الگومحور به خلاقیت درک صحیحی از این مفهوم کاربردی می‌دهد. آزمون سنجش خلاقیت تورنس^۳ (TTCT)، با توجه به الگوی ارائه‌شده از آمایبل طرح ریزی شده است (تورنس، ۱۹۷۹: ص ۲۸). در آموزش و تربیت چاره‌ای نیست جز اینکه طرح‌های آموزشی با توجه به سازه خلاقیت تدوین شوند؛ چراکه رویکردهای آموزشی خلاقیت‌افزا، یافتن و افزایش توان تکنیک‌های خلاقیت، الگوسازی خلاقیت‌محور، بهره‌گیری از توان فزاینده محیطی، جلوگیری از موانع محیطی و چگونگی مواجهه با عنصر انگیزه بر خلاقیت همگی مبتنی بر درکی کامل‌تر از الگوی خلاقیت است (وارد، ۲۰۰۷؛ فراری و همکاران، ۲۰۰۹)؛ علاوه‌بر این، در مباحث مدیریتی نیز آموزش و شناخت مؤلفه‌های خلاقیت بر شناخت و تصمیم‌گیری مثبت مدیران تأثیر مستقیم دارد (تانوات، ۲۰۰۷). با این حال، بررسی این الگوها در مطالعات علمی کشور بسیار اندک بوده، تاکنون تحقیقی مستقل در ارائه الگویی مبتنی بر متون اسلامی در موضوع خلاقیت صورت نگرفته است. درنتیجه، این تحقیق درصد پاسخ به این سوالات است: مؤلفه‌های اساسی خلاقیت در اسلام کدام‌اند؟ ارتباط آنها با یکدیگر چگونه است؟ این الگو چه تفاوتی با الگوهای موجود دارد؟

-
1. Novelty, Novel, New, Original
 2. Usfulness, Valuable, Appropriate, Adaptive
 - .3 Torrance Tests of Creative Thinking

روش تحقیق

تحقیق حاضر با ملاحظه هدف تحقیق، از نوع تحقیقات بنیادی و نظری (در مقابل کاربردی) به حساب می‌آید (دلاور، ۱۳۸۰: ص ۴۸). از روش تحلیل محتوا برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی، مقایسه، و تجزیه و تحلیل مفاهیم محتوا آشکار پیام‌های موجود در متون دینی مرتبط با خلاقیت استفاده شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۷۷) از این روش به عنوان توصیفی-تحلیلی نیز یاد می‌شود که در آن اطلاعات لازم درباره موضوعات و ریز موضوعات پژوهش از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر آثار مکتوب و نیز تأمل و کنکاش در داده‌های گردآمده و انجام برخی عملیات پژوهشی از قبیل شرح، تفسیر، تحلیل و ارائه الگو انجام می‌پذیرد (قراملکی، ۱۳۸۳: ص ۳۴). همچنین، برای کشف روایی محتوا از روش پیمایشی دلفی استفاده شد. «از روش دلفی هنگامی استفاده می‌شود که بخواهیم درباره اتفاق نظری یک جمع صاحب‌نظر درباره یک موضوع خاص به بررسی بپردازیم» (سرمد و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۸۴).

برای گردآوری اطلاعات ابتدا به شیوه توصیفی-تحلیلی در منابع اسلامی به تشکیل پرونده علمی اقدام شد. به دلیل اهمیت و نوبودن موضوع در بخش اسلامی و نیاز به تحلیل مبنایی این سازه که مبتنی بر کلیدوازه‌های «حیل، فطن، خلق، بدع، حکم، حزم، عقل» بوده است، آیات و احادیث مرتبط با موضوع از منابع دست اول شیعی و یا با استفاده از نرم افزارهایی مانند جامع الاحادیث^۱ و جامع التفاسیر^۲، شناسایی و استخراج شد. سپس با تجزیه و تحلیل مفاهیم و مضماین آنها و کشف روابط علی با تکیه بر تبیین‌های روان‌شناسختی، به صورت جامع ملاحظه و خانواده قرآنی-حدیثی درباره آن تشکیل شد؛ در مرحله بعد با استفاده از روش‌های تفسیری و اجتهادی مورد بررسی و پالایش مجدد قرار گرفته و درنتیجه سازه خلاقیت مبتنی بر منابع اسلامی ارائه شد.

سپس برداشت محقق از منابع اسلامی توسط کارشناسان اسلامی و تربیتی به روش دلفی به قضاوت گذاشته شد. روایی محتوایی مؤلفه‌های خلاقیت از نظر کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی ارزیابی شد. کارشناسان نظر خود را در زمینه میزان مطابقت هر گویه با مستند ذکر شده در مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم) اعلام کردند. نتایج نظرات کارشناسان میزان موافقت مستندات با مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد. میانگین نمرات تمامی کارشناسان بالاتر از ۳ بوده و میانگین کل نیز برابر با ۳/۶۵ انحراف استاندارد برای این داده‌ها ۰/۳۷۳ به دست

1. Content validity

آمده است؛ بنابراین، از نظر کارشناسان خبره دین و روان‌شناسی، مؤلفه‌های نظری خلاقیت اسلامی در حد «زیاد» و «خیلی زیاد» با آموزه‌های دینی مطابقت دارد؛ به عبارت دیگر، نتایج این پیمایش به شیوهٔ دلfü (اظهارنظر افراد خبره) نشان می‌دهد که ۹۱ درصد مؤلفه‌ها مورد تأیید خبرگان دین و روان‌شناسی قرار گرفته است. ضریب تطابق کندال (۰۵۱۸۹، $p < 0.01$) با مقدار مجذور کای ($\chi^2 = ۴۵.۰$ ، $p = 0.00$)، نشان‌دهنده توافق مناسب و معنادار کارشناسان خبره در مورد موافقت مؤلفه‌ها و خردۀ مؤلفه‌ها با مستندات اسلامی است و روایی بالای محتوای مؤلفه‌ها را می‌رساند.

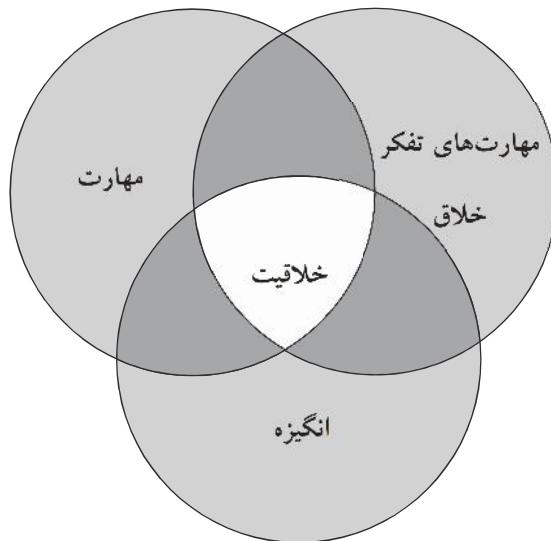
یافته‌های تحقیق

معرفی عناصر شکل‌دهنده خلاقیت والگوی ارتباطی آنها به جهت تأثیر آن بر دامنه وسیعی از تصمیم‌گیری‌های آموزشی و مدیریتی، پژوهش‌های متعددی را به‌سوی خود جلب کرده است مانند میر^۱ (۱۹۹۹) آمابیل^۲ (۱۹۸۳ و ۱۹۹۶) استرنبرگ و لوبارت^۳ (۱۹۹۵-۱۹۹۱)، اربن^۴ (۲۰۰۳) و سیکزنتمیهالی^۵ (۱۹۹۹). با وجود الگوهای مختلف، در این نوشتار، الگوی ارائه‌شده توسط آمابیل از دانشگاه هاروارد به‌دلیل بیشترین استناد و مبنای قرارگرفتن در برنامه‌ریزی و سنجش‌های آموزشی و مدیریتی والگوی اربن از دانشگاه هانوفر به‌دلیل تخصصی بودن زیرمحله‌ها معرفی می‌شوند. همچنین، براساس این دو الگو، آدامز^۶ (۲۰۰۵) وارد^۷ (۲۰۰۷) پولیتیس^۸ (۲۰۰۴) گینزبورگ و برونسن^۹ (۲۰۰۸) چانکو^{۱۰} (۲۰۱۱) و دیگر محققان، پژوهش‌های گستره‌ای درباره خلاقیت ارائه کرده‌اند.

1. Mayer
2. Amablie M Teresa
3. Sternberg and Lubart
4. Klaus K. Urban
5. Csikszentmihalyi
6. Karlyn Adams
7. Thomas B. Ward
8. John D. Politis
9. Golda S. Ginsburg and Phyllis Bronstein
10. Hsu-Chan Kuo

الگوی خلاقیت آماییل

به عقیده آماییل، خلاقیت از سه مؤلفه تفکر خلاقانه، قلمرو مهارت‌ها و انگیزه درونی تشکیل شده است. به شرط جمع این سه مؤلفه، توانایی پیش‌بینی خلاقیت از فرد یا گروه بالا می‌رود (آماییل، ۱۹۹۶: ص ۶).



شکل ۱. الگوی مؤلفه‌ای آماییل (۱۹۹۶)

۱. مهارت

مهارت^۱ در نظریه آماییل مجموعه‌ای از راه حل‌های شناختی-عملیاتی است که فرد برای حل کردن یک مشکل در اختیار دارد. مهارت شامل دانش واقعی، تجربهٔ تکنیکی و استعداد خاص در حوزهٔ کاری موردنظر است. به عنوان مثال مهارت در متخصصان سطح بالای مهندسی شامل موارد زیر است:

استعداد بالای فرد در تصویرپردازی و اندیشه درباره مشکلات پیچیدهٔ مهندسی،
توانایی تمرکز بر جنبه‌های مهم مسئله،
دانش واقعی او درباره مواد،
آشنایی او به کارهای گذشته و توسعهٔ فعلی علوم مهندسی،
درنهایت، مهارت‌های تکنیکی است که فرد از طراحی، اجرا و تحقیقات به دست می‌آورد. این

1. Expertise

مؤلفه از آمایل مورد تأیید دیگران واقع شد و پس از آن در تحقیقات بعدی استفاده شد (همان: ص۴).

۲. انگیزه

تحقیقات آمایل در موضوع انگیزه در خلاقیت و تقسیم انگیزه به درونی^۱ و بیرونی^۲ منشأ تحقیقات دیگر شد. با توجه به نتایج تحقیقات آمایل، انگیزه درونی به مراتب خلاقیت بیشتری را نسبت به انگیزه بیرونی موجب می‌شود. انگیزه درونی از علاقه‌شدن و درگیرشدن فرد به کار از حس کنجکاوی، شور و شوق و یا حس شخصی به چالش‌کشیدن نشئت می‌گیرد اما انگیزه بیرونی برخلاف انگیزه درونی میل به رسیدن به اهداف برای خود کار نیست بلکه به منظور رسیدن به جایزه، پرکردن وقت یا برنده شدن در یک رقابت است. در آزمایش آمایل فردی که برای دریافت پاداش وارد ماز می‌شد، روشن‌ترین و کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به جایزه طی می‌کرد اما کسی که دارای انگیزه درونی بود راه‌های مختلف و جایگزین را امتحان می‌کرد و از صرف زمان برای مسئله لذت می‌برد و درنتیجه به راه‌های جدیدتر و مناسب‌تری نسبت به راه اصلی می‌رسید (همان). تحقیقات آمایل نشان داد جایی که تجربه و مهارت‌های تفکر خلاق فرد کم باشد انگیزه درونی کمک می‌کند تا نواقص را جبران کرده و به راهکاری ابتکاری برسد (آمایل، ۱۹۹۷).

بیشترین تأثیر محیط در خلاقیت می‌تواند بر میزان انگیزه باشد. تغییرات موقت در محیط کار که همسو با انگیزه افراد نباشد، عاملی می‌شود که جوشش‌های اولیه انگیزشی افراد برای مدت زیادی خاموش شود (همان). به عنوان مثال مهندسی که با انگیزه درونی بالا عهده‌دار پروژه‌ای شده است، اگر با رفتار سرد مسئول آزمایشگاه مواجه شود انگیزه او افت می‌کند و پیشرفت کمتری خواهد داشت.

انگیزه بیرونی در نظر آمایل خود به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. انگیزه‌های هم‌افرا^۳ و ۲. انگیزه‌های غیرهم‌افزا.^۴ انگیزه‌های هم‌افزا انگیزه درونی را حمایت و تقویت می‌کنند (یا دست کم با آن مقابله نمی‌کنند) در حالی که انگیزه‌های غیرهم‌افزا به انگیزه درونی ضربه می‌زنند (آدامز،

-
1. Intrinsic Motive
 2. Extrinsic Motive
 3. synergistic motivations
 4. non-synergistic motivations

الگوی مؤلفه‌ای اربن

اربن خلاقیت را فرایندی پیشرفته‌تر از آن می‌داند که الگویی ساده بتواند آن را شرح دهد؛ از این‌رو، ساختاری مرکب از اجزای در حال تعامل بین شناخت و شخصیت فرد خلاق ارائه می‌دهد که همین حالت تعاملی نیز بین محیط و فرد (شناخت و شخصیت او) وجود دارد. شناخت و شخصیت هر کدام سه نماینده در طرح دارند؛ سه عنصری که نماینده شناخت هستند از این قرارند:

1. Root - Bernstein
2. Albert Einstein, Jane Goodall, Amadeus Mozart, and H.G. Wells
3. mysteriously
4. spark

۶: ص ۲۰۰۵). به عنوان مثال تحقیقات شرکت‌های بازرگانی چندین نوع از انگیزه‌های هم‌افزا را مشخص کرده‌اند، مانند جایزه، تصدیق ایده‌های خلاقانه، به‌وضوح مشخص کردن اهداف کلی پژوهش‌ها و تکرار بازخوردهای مفید در حین کار. این درصورتی است که انگیزه‌های غیرهم‌افزا مانند رقابت، مقایسه، مشوق‌های بی‌نظم وغیره معمولاً خصوصیت کنترلگری و بی‌عدالتی را در محیط القا می‌کنند.

۳. مهارت‌های تفکر خلاق

مهارت‌های تفکر خلاق موجب می‌شود فرد، دید جدیدی به مسئله بیابد و به منظور جست‌وجوی راه‌های شناختی جدید، از یک‌سری فنون و ابتکاراتی استفاده کند. این مهارت‌های شناختی کمک می‌کند که فرد از سبک‌های عملگرا استفاده کند؛ یعنی فرد را در پیگیری کار، مستمر و پرانرژی می‌کند (آمایل، ۱۹۹۷). روت برنستاین^۱ (۱۹۹۹) با بیش از یک دهه تحقیقات بر تفاوت شیوه فکری افراد معمولی و بسیار خلاق مانند انسیستین، موزات، گودال وغیره^۲ به این نتیجه می‌رسد: «کسانی که خلاقیت بالایی دارند هنگامی که با سؤالی مواجه می‌شوند، برخلاف افراد معمولی، از مجموعه‌ای از مهارت‌ها و ابزارهای فکری استفاده می‌کنند. ایده‌های آنها به طرز مرمز^۳ جرقه نمی‌زند، بلکه آنها از یک‌سری مهارت‌های فکری استفاده می‌کنند که قابل یادگیری هستند. مهارت‌های ساده‌ای مانند مشاهده، خلاصه‌کردن، شناخت الگو، شکل‌دادن به الگو، قیاس، تصور وغیره» (اسپونر، ۲۰۰۴).

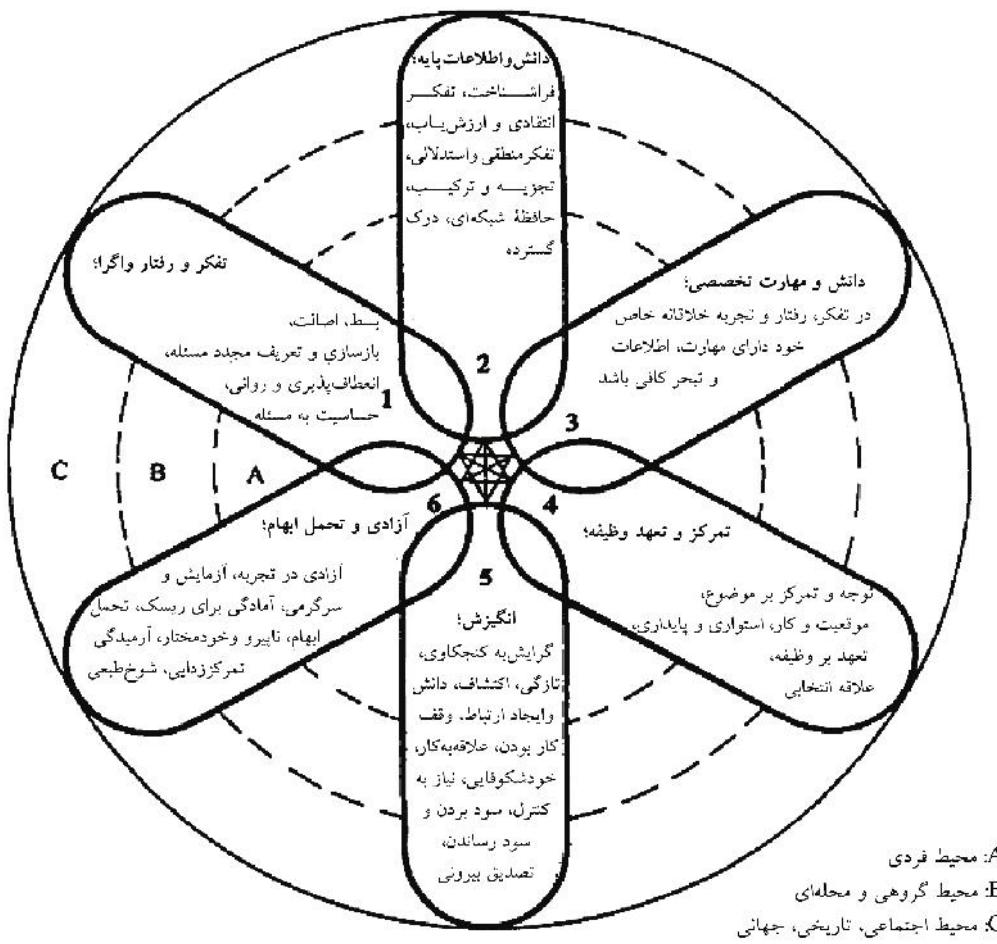
- تفکر و رفتار واگرا،
- دانش و تفکر عمومی،
- دانش و مهارت تخصصی.

و سه عنصر دیگری که نماینده شخصیت می‌شوند عبارت اند از:

- تمرکز و تعهد وظیفه،
- انگیزش،
- آزادی و تحمل ابهام.

اربعن مجتمعه این شش عنصر و زیرعنصرهای آنها را برای پرورش تفکر خلاق ضروری می‌داند، همان‌گونه که در شکل زیر نشان داده شده است از مجموع نه اکتساب یکی یا برخی از آنها در پدیده خلاقیت بروز می‌کند؛ از این‌رو، اربن خلاقیت را نیازمند یک سیستم پویا^۱ و تابعی^۲ از عملکرد دیگر عوامل می‌داند که در صورت تبادل متعادل عناصر ضروری، فرد مستعد خلاقیت است (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۲). میزان شرکت زیرعناصر و تفاوت آنها و نحوه جمع‌شدن آنها نیز بر چگونگی فرایند خلاقیت مؤثر است. در هر سطح خاص، مرحله خاص و موقعیت خاص هر زیرعنصری عملکرد متناسب با نقش خود را دارد که این نقش به زیرعنصر مرتبط دیگر وابسته است. به عنوان مثال بهتر است کسی که در موضوعی تفکر عمیقی دارد سپس به فکر استراحت می‌دهد و آن را به ناهشیار می‌سپارد بین این دو، موضوع دیگری واسطه نیاید و در زمان استراحت هم فقط استراحت داشته باشد تا اینکه زنجیره فرایند تفکر خلاق پاره نشود. به همین جهت طراح این مدل آن را «سیستم عملکرد مؤلفه‌ای خلاقیت»^۳ معرفی می‌کند (اربن، ۲۰۱۱). نتیجه چنین نگاهی به خلاقیت، تنها تلاش برای رسیدن به تصمیمی بهتر یا ارائه ایده‌های فراوان در کمترین زمان نخواهد شد، بلکه رشد حلوونی^۴ (دایره‌وار) متناسب تمامی شخصیت مربی و متربی یک بنای تربیتی برای خلاقیت خواهد بود (اربن، ۲۰۰۳).

1. Dynamic System
2. functional system
3. Componential system of creativity functional
4. Spiral development



شکل ۲. مدل مؤلفه‌ای اربن ۲۰۰۳

۱. تفکر و رفتار واگرا^۱

از زمانی که گیلфорد در دهه پنجم قرن بیستم تفکر واگرا را معرفی کرد، تحقیقات و مقالات زیادی درباره آن نوشته شده است. برخی با نگاه محدود تفکر خلاق را همان تفکر واگرا دانسته‌اند اما در حقیقت، این نوع تفکر مهارتی در کنار دیگر مهارت‌های خلاقیت است که می‌تواند تولید نو و خلاقانه را به دنبال داشته باشد (اربن، ۲۰۱۱). اساس تفکر واگرا مبتنی بر حساسیت به مسئله، درک قوی، دانش گسترده، پردازش سریع اطلاعات، ذخیره انعطاف‌پذیر و شبکه‌ای اطلاعات است. اینها پیش‌فرض‌هایی هستند که تفکر مبتنی بر تداعی، سیالی و انعطاف‌پذیری یا همان تفکر واگرا از آنها کمک می‌گیرد (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۴).

1. Divergent Thinking and Doing

حساسیت به مسئله،^۱ یا همان توانمندی در یافتن مسئله، پیش‌فرض و نقطه شروع حساسی برای تفکر خلاق است. واقعیتی که در یک محرك وجود دارد تفکر انسان‌ها را متمایز می‌کند، یکی را برمی‌انگیزاند اما دیگری که تفکر واگراندارد را خیر. این توانمندی به‌طور طبیعی و کم‌ویش در انسان‌ها وجود دارد و از انگیزه اکتشاف و پرسش نشئت می‌گیرد و قابلیت رشد یا افول دارد (همان).

۲. تفکر و اطلاعات عمومی^۲

فرایند خلاقیت نیازمند بازآفرینی، بازسازی و تعریف جدید از مشکل است که این موارد ضرورت زیرعنصرهای تجزیه و ارزش‌یابی^۳ را روشن می‌کند. یعنی فاز اول خلاقیت نیازمند جمع‌بندی اطلاعات گسترده موجود در ذهن است و این به کمک تجزیه، استدلال و تفکر منطقی^۴ حاصل می‌شود و در فاز دوم، همین اطلاعات با یکدیگر و با تفکری انتقادی و به منظور ارزش‌یابی^۵ سنجیده می‌شوند که در این زمان، باروری درک دقیق و بسط^۶ ایده خلاقانه روی می‌دهد. به عقیده اربن، اینکه برخی برای خلاقیت آستانه هوش معرفی کرده‌اند درواقع، ترکیبی از دو مؤلفه تفکر واگرا و دامنه اطلاعات عمومی وسیع فرد است که می‌تواند جایگزین آن اندازه از آستانه هوشی شود (اربن، ۲۰۰۱: ص ۴۹۰).

۳. مهارت و دانش تخصصی^۷

تحقیقات زیادی مانند ویزبرگ^۸ (۱۹۹۹) براؤن^۹ (۱۹۸۹) هایس^{۱۰} (۱۹۸۹) نشان می‌دهند که دریافت‌های خلاقانه در صورتی که ارتباطی با تخصص فرد نداشته باشند ناقص یا اشتباخ خواهند بود، دریافت‌های خلاقانه بستگی به در دسترس بودن و نزدیکی ایده‌ها به پشتوانه خود دارند و این

1. Problem sensitivity
2. General Knowledge and Thinking Base
3. Analyzing and evaluating
4. Analyzing, reasoning, and logical thinking
5. Critical and evaluative thinking
6. Elaboration
7. Specific Knowledge Base and Specific Skills
8. Weisberg
9. Brown
10. Hayes

نیازمند یکپارچگی دانش و تجربه در حوزه خاص تکیل مربوط به آن است (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۵).

۴. تمرکز بر وظیفه و تعهد به آن^۱

در مسیر رشد و شکوفایی خلاقیت، ضرورت دارد فرد خلاق به منظور دستیابی به اطلاعات و تجربیات عمومی و تخصصی بر نظم و پایداری^۲ بر هدف متعهد باشد. همچنین، برای حل مشکلات یک مسئله و ایجاد ارتباط بین زوایای مختلف یک موضوع نیازمند تمرکز توجه^۳ برای مدت طولانی و با شدت‌های مختلف است؛ علاوه بر این، خصلت تمرکز و انتخاب‌گری^۴ برای شیوه جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و برنامه‌ریزی جزئیات اطلاعات، ضروری می‌نماید (اربن، ۲۰۰۱: ص ۴۹۰).

۵. انگیزه

علایق فردی انسان‌ها را مانند آهنربا به سمت خود می‌کشانند و این خصیصه ایشان را از یکدیگر متمایز می‌کند. اما گرایش به اکتشاف و دانستن و همچنین، نیاز به تازگی و کنجکاوی^۵ به وسیله والدین و محیط آموزشی در فرد تقویت می‌شود. ارben (به نقل از هایس، ۱۹۸۹) می‌گوید: تفاوت شناختی کاملی بین افراد خلاق با غیر خلاق نیست مگر اینکه افراد خلاق چون انگیزه بالایی دارند تفاوت‌های شناختی را نشان می‌دهند. به عنوان مثال، شدت علاقه بین آن دو در کسب کردن اطلاعات و مهارت‌های لازم موجب خلاق شدن یکی و گرایش به خلاقیت کمتر در دیگری می‌شود (اربن، ۲۰۱۱).

۶. گشودگی به تجربیات جدید و تحمل ابهام^۶

قدرت مقاومت در برابر فشار مجهولات و عدم حضور پاسخ مناسب، برخی را از پیگیری مسئله بازمی‌دارد. در این هنگام احتمال دارد این افراد دو خطأ مرتکب شوند: الف) به صورت غیراستاندارد

1. Focusing and Task Commitment
2. Persistence
3. Focus of attention
4. Selectivity
5. The need for novelty, curiosity, drive for exploration and knowledge
6. Openness and Tolerance of Ambiguity

و با صرف زمان زیاد خواستار رفع مشکل هستند و ب) با اندک تلاش خود را عاجز می‌بینند و دست از کار می‌کشند اما افراد خلاق در صورت نیافتن جواب با راهکارهای خلاقانه مسئله را از ذهن جدا کرده و برای مدتی آن را به ناهمشیار می‌سپارند و با برگشت زودهنگام و پرانرژی دوباره به آن مشغول می‌شوند (همان).

نکته: شرایط محیطی

به عقیده اربن فرایнд خلاقیت و سطح آن برای رسیدن به محصول خلاقانه تنها به مؤلفه‌هایی که پیش‌تر توضیح آنها گذشت وابسته نیست. بلکه برای رسیدن به این نتیجه و کیفیت آن باید گشتالت خلاقیت یعنی تمامی اجزا و شرایط خلاقیت فراهم شود. موفقیت و مقبولیت در یک محصول خلاقانه به این موضوع بستگی دارد که از یک‌سو، این کار دارای فصاحت، نوآوری و قدرت سرایت باشد و از دیگر سو، توسط خود فرد و افراد مهم پذیرفته شده و ارزش‌گذاری مناسبی برای آن صورت بگیرد. پویایی و تحرک فرد خلاق وابستگی شدیدی به تربیت، ترویج، تشویق و هیجان‌بخشی و یا دلسردکنندگی و ایجاد مانع از طرف محیط دارد. اربن معتقد است با در نظر گرفتن شیب تند رشد خلاقیت در کودکی، ضرورت دارد که «سیستم عملکرد مؤلفه‌ای خلاقیت» در سه محیط مختلف اما مرتبط به هم در این مدل لحاظ شوند، این سه محیط از این قرارند:

A: محیط فردی و خصوصی: که مستقیماً متأثر از محیط اجتماعی، جسمانی و روانی است.

B: محیط گروهی و محله‌ای: که متأثر از خانواده، همسالان، مدرسه، محیط آموزشی و محیط کوچک است.

C: محیط اجتماعی، تاریخی، جهانی: شرایط سیاسی، فرهنگی و علمی در کلان محیط بر فرد مؤثر است (اربن، ۱۹۹۱).

معرفی الگوی پنج مؤلفه‌ای خلاقیت از اسلام

خلاقیت به توانایی ارائه فکر و محصول نو که مفید و بالارزش تعریف شده است و دو دانشمند مذکور دست‌کم بر سه مؤلفه تفکر خلاق، انگیزه و اطلاعات تخصصی و عمومی، برای خلاقیت توافق داشتند؛ از این‌رو، طبق این تعریف باید در ابتدا بررسی شود که آیا در متون اسلامی این مفهوم یافت می‌شود؟ اگر آری مؤلفه‌های رشد آن کدام‌اند؟

اگر با تعریف سابق از خلاقیت متون اسلامی بررسی شود، آنچه از خلاقیت و مؤلفه‌های آن

منظور است در برخی استعمالات ریشه‌هایی مانند؛ «حول، فطن، حزم، عقل، علم، کیس، بصر، حکم و ...» به دست می‌آید. در ادامه خلاصه‌ای از مستندات مطرح می‌شوند.

واژه خلاقیت از ریشه «خلق» استخراج شده است و معنای لغوی آن در زبان فارسی به معنای قدرت آفریدن و به وجود آوردن و یا به نیرویی که موجب خلق آثار بدیع می‌شود تعبیر شده است (معین، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۴۳۳ و دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۶، ص ۸۶۹۶) و در زبان عرب، به گفته ابن‌منظور در لسان العرب دو ماده اصلی دارد: ۱. آفرینش چیزی بدون الگو و ۲. تقدير (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۸۵). تقدير در بحث «خلق»، این چنین معنی می‌شود: سنجش و اندازه‌گیری چیزی برای ساختن چیزی دیگر (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۱۸۸). مشتقات ریشه «خلق» در متون دینی درباره خلقت خداوند به کار گرفته شده‌اند و این واژه برای خلاقیت انسان به معنایی که گذشت به کار نرفته است. خلقت خداوند با انسان غیر از تعداد، تنوع، بزرگی و زیبایی تفاوت دیگری دارد، و آن اینکه خلاقیت خداوند آفرینشی مستقل از الگو بدون کمک از هر وجودی است. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: ستایش مخصوص خدایی است که با قدرت و حکمت خویش، اشیا را از چیزی نیافرید تا اختراع صادق نیاید و نه به علت چیزی توجه کرد، تا درنتیجه، ابداعی در کار نباشد (ری‌شهری، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۵۴). البته خداوند توصیه می‌کند مؤمنین خود را به ویژگی‌های نام‌های خداوند نهادینه کنند: «صِبْغَةُ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنْ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره: ۱۳۸). اطلاق این امر پسندیده در برگیرنده مزین شدن به صفت خالقیت است و خالقیت در انسان، همان خالقیت و ایجاد امور نو و مفید، البته در توان انسان است.

حیله و مشتقات آن واژه دیگری است که رساننده معنای خالقیت هستند. این واژه مشتق از «حول» است و بنابر گفته این فارس در مقایيس اللuge، یک اصل دارد و آن به معنای «تحرک و دگرگونی در اطراف چیزی است». حیله و مشتقات آن نیز از این ریشه گرفته می‌شوند؛ چراکه افکار فرد اطراف چیزی دور می‌زنند تا آن را درک کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۳۱۷). در متون اسلامی مشتقات این ریشه در معنای «چاره‌جویی با سبکی جدید و همراه با ذکاوت» به کار رفته است. امام سجاد علیه السلام از خداوند برای مسلمین قدرت خالقیت و چاره‌جویی را طلب می‌کند و برای دشمنان اسلام ناتوانی در خالقیت را دعا می‌کند. «اللَّهُمَّ وَقُوَّبِذَلِكَ مِحَالَ أَهْلِ الإِسْلَامِ ... وَأَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِحْتِيَالِ» (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ص ۱۲۸)، یا امیرالمؤمنین علیه السلام حیله را در کاربردهای مثبت و منفی وارد دانسته و این‌گونه معرفی می‌کند: «امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حیله و نیرنگ رازیکی می‌پندارند، و

افراد جاہل آنان را زیرک و خلاق می خوانند... کسی که مسائل را بسیار می گرداند و بسیار تغییر می دهد، هم پیش روی حیله و هم پشت آن را می بیند. ولی امر و نهی پروردگار مانع او است و با اینکه قدرت انجام آن را دارد آن را به روشنی رها می کند. اما آن فردی که از مخالفت با دین خدا پروا ندارد، از فرصت ها برای نیرنگ بازی استفاده می کند»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ص ۳۱۹). در این کلام حضرت برای نشان دادن آشنا بودن خود به تمامی راهکارهای موجود و توجه دادن به معنای «حیله» از «الْحُوَّلُ الْقُلُبُ» استفاده کرده اند و همچنان که علامه مجلسی، آیت الله خویی و دیگران معنا کرده اند حضرت می رساند که با دگرگونی و تغییر زیاد مسائل، به تمامی راه حل ها اشراف دارد و علت عدم اجرای آنها مانع دیگری است (خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۴، ص ۱۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۴، ص ۱۰۳)؛ علاوه بر این، حیله در برگیرنده مؤلفه های خلاقیت - که در ادامه می آید - نیز است. چرا که خلاقیت به واسطه اطلاعات عمومی و تخصصی به دست می آید. همچنان که علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ جَهَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ أَعْيَنَهُ الْحِيلُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۵۸۴).

همچنین، «حیله شمرة تفکر است» (همان: ص ۳۲). اگرچه خلاقیت و چاره جویی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، با در نظر گرفتن معنای لغوی این واژه در زمان و کاربردی که اهل بیت علیهم السلام لحاظ داشته اند این واژه به معنای خلاقیت نزدیک تر است.

کلید واژه بعدی که در موارد زیادی همراه با حیله نیز آمده، «فَطْنٌ» است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ص ۸۲). این ریشه در متون اسلامی و ادبیات عرب به دو معنا آمده است: معنای اول دلالت بر توانایی فهم و درک عمومی دارد و معنای دوم زیرکی همراه با تیزبینی را می رساند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۵۱۰). در کلام معصومین این واژه در معنایی نزدیک به خلاقیت یا تیز هوشی بسیار به کار آمده است و رساننده زیرکی، سرعت، حل مسئله و سودمندی این نوع تفکر است. مانند این کلام امیر المؤمنین علیه السلام که می فرمایند: «فَأَنُوْ كَائِنَتِ الدُّنْيَا تُتَالُ بِفِطْنَتِهِ وَفَضْلِهِ وَعَقْلِهِ نِلْتُ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ وَلَكِنَّمَا الْأَرْزَاقُ حَظٌ وَقِسْمَةٌ، بِفَضْلِ مَلِيكٍ لَا بِحِيلَةٍ طَالِبٌ»؛ «اگر رسیدن به دنیا با زیرکی، برتری و عقل بود من به بالاترین مراتب آن می رسیدم اما روزی بهره ای است تقسیم شده، که به چاره جویی طالب دنیا نیست بلکه به فضل مالک است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۴، ص ۳۹۷). در این روایت سه واژه «فَطْنٌ» با «فضل» و «عقل» جدا شدند و نشان دهنده

۱. «لَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدِ اتَّخَذَ أَكْثُرُ أَهْلِ الْعَدْرِ كَيْسًا وَنَسَبَهُمْ أَهْلُ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حُسْنِ الْحِيلَةِ مَا لَهُمْ قَاتَلُهُمُ اللَّهُ قَدْ يَرَى الْحُوَّلُ الْقُلُبُ وَجْهُ الْحِيلَةِ وَدُونَهَا مَانعٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهِيٍّ فَيَدْعُهَا رَأَى عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا وَيَتَّهَزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيَّةَ لَهُ فِي الدِّينِ».

تفاوت دقیق معنایی این سه ریشه است. اما در انتهای روایت از فطنه استفاده نشده و مرادف آن یعنی حیله آمده و رساننده اشتراک معنایی این دو واژه است.

کلیدوازه بعدی «حکم» با معنای اصلی «منع» است که مصدق آن در قضایت منع از ظلم، در علم منع از جهل و در رفتار از منع عمل رشت معنا می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۹۱). در اصطلاح علاوه بر همین معنا «حکم» به معنای شناخت بهترین اشیا با بیشترین دانش آمده و همچنین، به کسی که مصنوعات پیچیده‌ای دارد و در کارش سستی نیست حکیم گفته می‌شود، به کلام نافع که از جهل ممانعت می‌کند نیز حکمت گفته می‌شود (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۴۱۹). در جمع‌بندی تعاریف اصطلاحی حکمت، مفسران کمتر معنای اصلی را در نظر گرفته‌اند و برخی به مصاديق و مبادی حکمت به عنوان مفهوم حکمت بسنده کرده‌اند. با این حال، «حکم» استعمال گسترده‌ای در متون دینی دارد که سه معنی آن بروز بیشتری دارد:^۱

۱. قضایت: «فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا» (نساء: ۳۵)،
۲. استوار، محکم و نفوذناپذیر: «وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ» (یس: ۲)
۳. علم و دانش خاص: «يُؤْتَى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتَى خَيْرًا كَثِيرًا» (البقره: ۲۶۹).

درنهایت، با توجه به معنای اصطلاحی «حکم» در متون اسلامی به دست می‌آید که «حکمت» برداشتی دقیق، اشراقی، جدّی و واقعی است که به کمک عقل و توان بالای علمی به دست می‌آید و محصول آن در جهت سعادت و تکامل انسان به کار می‌آید. درنتیجه، جایی که نتیجه تفکر تولید محصول نوبرای رشد و رفاه مادی (نه انسانی) باشد، حکمت گفته نمی‌شود. کلیدوازه «عقل» در منابع اسلامی به صورت خلاصه در معانی زیر آمده است (ری‌شهری و همکاران، ۱۳۷۸):

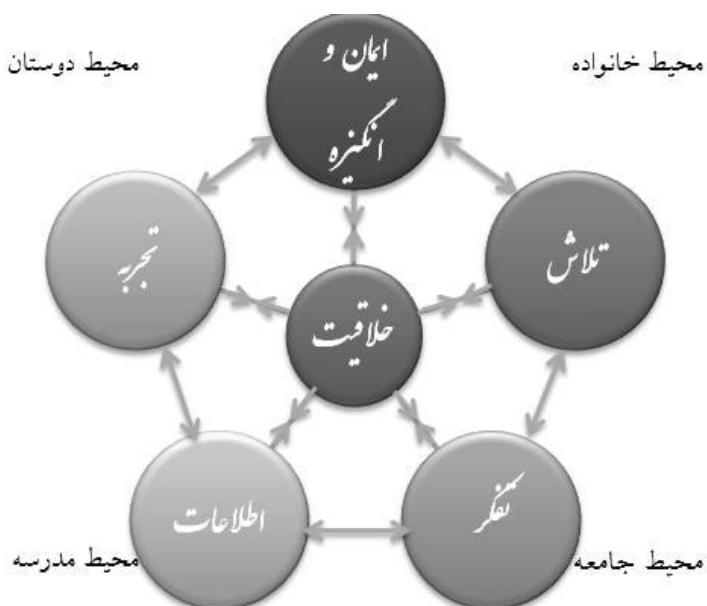
۱. نیرویی که با آن خوبی‌ها، بدی‌ها، تفاوت‌ها و زمینه‌های آن شناخته می‌شود در مقابل دیوانگی قرار دارد و به این معنای عقل معیار تکلیف می‌شود.
۲. معنای دوم عقل، تعقل، تفکر و اندیشیدن است و در برابر جهل و سفاهت قرار می‌گیرد.
۳. معنای سوم عقل ملکه‌ای است که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرامی‌خواند و به جوهر و حقیقت عقل اشاره دارد که روح آن، درک خیر انسان، خداجویی و خدایپرستی است.

۱. رضا برنجکار، مفهوم حکمت در قرآن و حدیث، سایت دانشگاه علوم حدیث.

۴. معنای دیگر عقل با علم یکی شده و شامل مواد اطلاعاتی و دانش است که افراد آن را کسب می‌کنند.

در مبحث الگوهای خلاقیت اشاره می‌شود که از نظر صاحب نظران خلاقیت، از لوازم خلاقیت و محصول خلاقانه، اندیشه درست همراه با اندوخته علمی و عملی مناسب است. درنتیجه، اگرچه عقل، علم، فکر و مشتقات آنها در متون اسلامی اشاره مستقیم به خلاقیت ندارند، رشد و تقویت عقل و علم برای رسیدن به خلاقیت ضروری است و «عقل» در متون دینی با خلاقیت همدیف نیست.

با توجه به کلیدوازه‌های مطرح شده و واژگان کلیدی دیگر، در این تحقیق پنج مؤلفه بنیادین از خلاقیت از متون اسلامی استخراج شده است. حفظ و رشد این مؤلفه‌ها و خلاقیت از نگاه متون دینی نیازمند محیط غنی و مناسب هستند که توضیح آن در این مقاله نمی‌گنجد. این پنج مؤلفه مطابق شکل ۳ با جمع اشتراکی خود خلاقیت را شکل می‌دهند.



شکل ۳. الگوی خلاقیت در اسلام

۱. کمیت و کیفیت تفکر

شواهد زیادی از قرآن به شکل تشویق یا تنبیه، برانگیزاننده تفکر هستند.^۱ آیات و روایات دعوت‌کننده

۱. مائتند (بقره: ۲۵۹) (غاشیه: ۱۷ تا ۲۰) (مؤمنون: ۶۸) (اعراف: ۸۴) (انعام: ۱۱) (عنکبوت، ۲۰) (حج: ۴۶)

به تفکر دو قسم هستند؛ گروهی به تفکر در راستای خداشناسی، خداجروی و علوم دینی تشویق می‌کنند و گروهی نیز تفکر در علوم و طبیعت را به طور مطلق تشویق و تأکید می‌کنند و بحث این مقاله در قسم دوم است.

علی‌علیه‌السلام اهمیت تفکر را بالاتر از حفظ و تعلیم دانش معرفی می‌کند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۵۶)؛ چراکه اندیشیدن در اندوخته‌های علمی موجب بازارایی، تنظیم و بسط اطلاعات و درنهایت، حل خلاقلانه مسئله می‌شود. مستندات زیادی دلالت دارند براینکه تفکر به همراه راهکارهای تقویت کیفی آن منجر به ایده‌های جدید (خلاقیت) می‌شوند. مانند:

- «مَنْ أَكْثَرُ الْفِكْرِ فِيمَا تَعْلَمُ أَنْقَنَ عِلْمَهُ وَ تَقَهَّمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ»: «کسی که در آموخته‌های خود زیاد بیندیشید دانش او استوار شده و آنچه را که نمی‌فهمیده می‌فهمد (به چیزهای جدید دست می‌یابد)» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ص ۵۷).

- «بِالْفِكْرِ تَجَلِّي غَيَّاهِبُ الْأُمُور»: «با تفکر تاریکی کارها روشن می‌شود» (همان: ص ۱۸۹).

- «مَنْ أَعْمَلَ فِكْرَهُ أَصَابَ جَوَابَه»: «کسی که فکر خود را به کار گیرد به جوابش خواهد رسید» (همان: ص ۶۱۰).

- «صَوَابُ الْأَوَاءِ بِإِجَالَةِ الْأَفْكَار»: «ایده‌های درست با گردش و جولان افکار به دست می‌آید» (همان: ص ۴۱۹).

- «رَأْسُ الْإِسْتِبْصَارِ الْفِكْرَة»: «اساس بینش جدید تفکر است» (همان: ص ۵۷).

افزایش کمیت تفکر باید به افزایش کمیت ایده‌ها منجر شود تا درنتیجه، به تصمیم‌گیری آسان‌تر و خلاق‌تر نزدیک شود. اسلام می‌گوید که فرد باید در مقام تصمیم‌گیری تعداد ایده‌های بیشتری داشته باشد تا بتواند از بین آنها بهترین را برگزیند یا با هماندیشی بتواند مسیر درست را بازشناستد مانند: «صاحبان خرد و هدایت یافتگان آنها بی‌هی هستند که نظرها را می‌شنوند و بهترین آنها را برمی‌گزینند» (زمیر: ۱۷) و کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «نظرات دیگران را جمع آوری کنید و بهترین و کم ضررترین آنها را انتخاب کنید» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ص ۴۶)، و یا راهکارهای دیگر را برگزیند: «کسی که ایده‌های اندک و ضعیف داشته باشد و همچنین برای

(بقره: ۲۱۹، ۲۶۶) (انعام: ۵۰) (نحل: ۱۱، ۴۴، ۶۹) (روم: ۸، ۲۱) (نساء: ۸۲) (محمد: ۲۴) (بقره: ۷۳، ۷۶) (اعراف: ۱۵۱، ۲۴۲، ۱۶۹) (انفال: ۲۲) (یونس: ۱۶، ۱۰۰) (یوسف: ۲، ۱۰۹) وغیره.

اجرای آنها اراده کافی از خود نشان ندهد به جایگاه شایسته خود نخواهد رسید» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۶۳: ص ۳۱۸).

علاوه بر تشویق به بالابردن کمیت تفکر و ایده، برای بالابردن کیفیت اندیشه نیز در متون اسلامی راهکارهایی برداشت می‌شود، مانند همانندیشی، تخیل و نگاه به جوانب، متناظریابی، تحلیل اطلاعات، الگوبرداری از طبیعت، پرسش‌های هدایت‌شده و مانند اینها، در کنار این راهکارها بر شناخت الگوهای غلط فکری و موانع تفکر خلاق نیز در متون اسلامی تأکید می‌شود. توضیح این راهکارها و موانع نیاز به نوشتار تفصیلی دیگری دارد (علی‌گلی و ساجدی، ۱۳۹۴).

۲. اطلاعات عمومی

اطلاعات گسترده مسیر تفکر را روش‌نی می‌کند. در متون دینی خلاقیت با اندوزش میزان وافری از دانش حاصل می‌شود. از نگاه این منابع، انسان برای آفرینشگری نیاز به منبع غنی از اطلاعات دارد. مستندات زیادی نشان می‌دهند که دانش زیاد، اندیشه را رشد می‌دهد و آن را بارور می‌کنند، مانند:

- «الْعِلْمُ يُنْجِدُ الْفِكْرَ»: «دانش فکر را رشد می‌دهد»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۴۲).
- «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَرَيِدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ»: «اندیشیدن غریزه‌ای است که با علم و تجربه زیاد می‌شود» (همان: ص ۹۱).
- «الْعِلْمُ يُنْجِيكَ الْجَهْلُ يُرْدِيكَ»: «علم موجب نجات توست و بی‌سوادی تو را نابود می‌سازد» (همان: ص ۴۱).
- «كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعُقْلَ»: تأمل زیاد در دانش، راههای اندیشیدن را برای انسان می‌گشاید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۵۹).

اطلاعات عمومی وسیع پیوندهای ذهنی بیشتری ایجاد کرده و موجب می‌شود تا ایده‌های جدید تراویش کنند؛ به عبارت دیگر، کسی که اطلاعات بیشتری در انبار ذهن خود آماده دارد نگاه او به مسائل متفاوت خواهد بود و درنتیجه با سربندهای از مسائل عبور می‌کنند.

برای تقویت انگیزه دانش‌پژوهان برای رسیدن به این مرحله، در این متون بر همه و در هر حالی کسب علم به عنوان یک واجب تکلیف شده و ثواب الهی را به دنبال دارد (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۴). البته علم و علم‌آموزی در اسلام بر دونوع است: اول، علم دین (خداشناسی

۱. «نجد» به معنای رشد و ارتقاء است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۲، ص ۳۵).

و جهان‌بینی) که وجوب و تأکید آن بر بقیه علوم مقدم است و ضرورت آن والاتر است (مجلسی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۲۳)؛ دوم، علومی که بقا و تعالی هر اجتماعی مرهون آن است و به اندازه نیاز جامعه اسلامی وجوب و ضرورت دارد. توصیه به تلاش و تفکر بر علومی که به تقویت ایمان و خودشناسی منجر می‌شوند با سازوکاری متفاوت بر خلاقیت اثراگذار است؛ چراکه مذهب با تأثیر بر سبک زندگی و چگونگی حل تعارض‌های جهان‌شناختی، به دو سؤال اساسی انسان درباره هدف زندگی و معنای فعالیت‌ها و استعدادهای او پاسخ می‌دهد و بدین ترتیب، به وحدت‌یافتگی سازمان روان‌شناختی و معنوی و خودنظم‌دهی انسان کمک می‌کند (برامر^۱ و همکاران، ۱۹۹۳). انضباط، علم‌خواهی، بی‌باکی، انعطاف‌پذیری، آرامش، اهداف روشن و انگیزش از جمله صفاتی هستند که ایمان اسلامی در شخصیت فرد تزریق می‌کنند (نهج‌البلاغه، خطبه همام). درصورتی که محققانی مانند پرکینز^۲ فیست،^۳ سیلویا^۴ نیز برای افراد خلاق صفاتی در همین محدوده یافته‌اند (اگروال و باتیا، ۲۰۱۱^۵).

گستراندن اطلاعات عمومی در همه تخصص‌ها در توان عادی انسان‌ها نیست و از طرفی، رهاکردن آنها نیز به این دلیل معقول نیست؛ ازین‌رو، رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «علوم بیشتر از آن هستند که بتوان همه را جمع کرد اما از آنها بهترین را برگزین» (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۵). داشتن اطلاعات جنبی و راهکارهایی که در رشته‌های دیگر به کار می‌آیند موجب تداعی آنها برای حل خلاقانه مسئله در شکلی تراکمی اما جدید در حوزه تخصصی فرد می‌شود. به همین جهت برای نوآوری در مسائل توصیه می‌شود که علاوه بر تبحر کامل بر رشته تخصصی، فرد در رشته‌های مرتبط دست‌کم از سرخط‌های فکری و راهکارهای حل مسئله آنها مطلع باشد (فیست، ۱۹۹۸).

باین حال، اطلاعات عمومی بدون دانش تخصصی به حل خلاقانه مسائل نمی‌انجامد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام تأکید داشت فرد باید بیشترین تلاش خود را در جایگاه مناسب، یعنی در حیطه‌ای که تخصص دارد به کار گیرد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۵۴) و در جای دیگر از مدیران

1. Berammer L .M, Abrego P, Shostrom E.L.
2. Perkins
3. Gregory J. Feist
4. Paul J. Silvia
5. yasha aggarwal & neha Bhatia

می خواهد افراد متخصص را در جایگاه شایسته شان به کار گیرند (ابن أبيالحديد، ١٤٠٤ ق: ج ٢٠، ص ٢٧٦). اهل بیت علیهم السّلام با توجه به تخصص و استعداد افراد با ایشان تعامل داشته و فراخور توان فرد از او انتظار داشتند (کلینی، ١٣٧٥، ج ٢: صص ٢٩-٢١)؛ در طرف مقابل، امام کاظم علیه السّلام می فرماید: «اگر دانش تخصصی در جای خود به کار گرفته نشود، نتیجه آن عدم نیل به اهداف و زیان است» (مجلسی، ١٤٠٣ ق: ج ١، ص ٢١).

۳. تجربه تخصصی

حفظ و یادگیری اگرچه به عنوان یک معیار در رسشن خلاقیت معتبر است، ذهن خلاق بدون تجربه خام بوده و ایده‌های آن دور از واقع است. داشتن تجربه و خبرگی در موضوع به این معنا است که فرد در یک موضوع مشخص، دستورزی داشته و با تکرار و تمرین به اصول و قوانین مربوط به آن دست یافته باشد. در این صورت زوایای پنهان مسائل بعدی به واسطه این اصول فراگرفته روشن تر شده و ایده‌های جدید و تغییر سودمند دست یافتنی تر خواهد شد. برخی از شواهدی که تجربه را به خلاقیت پیوند می‌زنند شامل موارد زیر هستند:

- «عِنْدَ الْخِبْرَةِ تَنْكِشِفُ عُقُولُ الرِّجَالِ»: «با تجربه‌اندوزی عقل انسان‌ها شکوفا می‌شود» (خوانساری، ١٣٦٦: ج ٤، ص ٣٢٢).
 - «وَفِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ وَفِي تَقْلِبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ»: «میدان تجربه خود تولیدکننده علم است و با دگرگونی حالت‌ها جوهره انسان‌ها مشخص می‌شود» (محمدبن بابویه، ١٤١٣ ق: ج ٤، ص ٣٨٨).
 - «الْعِلْمُ يُرْسِدُكَ وَالْعَمَلُ يَلْغِي الْغَايِيَهِ»: «یعنی علم‌آموزی موجب رشد است ولی رسیدن به مقصد به واسطه تجربه به دست می‌آید» (تمیمی‌آمدی، ١٤١٠ ق: ص ٤٥).
 - «لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعْلُمِ ... وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ»: «با کلاس رفتن علم حاصل نمی‌شود بلکه علم با به کارگیری آن به دست می‌آید» (شهیدثانی، ١٤٠٩ ق: ص ١٤٩).
- در مقابل، جایی که فرد فاقد تجربه و مهارت باشد، ایده‌ها قدرت و نفوذ کافی ندارند و درنتیجه این‌گونه اظهارنظرها را همان‌گونه که رسول‌گرامی اسلام فرموده باید در میدان عمل کنار گذاشت (طبرسی، ١٣٧٠: ص ٤٤٢).^۱ درنتیجه کار و تجربه در کنار علم‌آموزی، موجب تقویت و رشد

۱. «يَا عَلِيُّ لَا خَيْرٌ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَلَا فِي نَظَرٍ إِلَّا مَعَ الْخِبْرَةِ».

انسان شده و کم‌کاری و بی‌تجربگی شکست و سستی را به دنبال دارد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: صص ۱۵۲ و ۱۵۸).^۱

این شواهد و غیر از اینها دلالت بر اهمیت نقش تجربه در علم‌اندوزی و نهایتاً خلاقیت دارد؛ امری که امروزه در مراکز علمی به علت هزینه‌بربودن، خلاق‌نبودن یا آگاهی‌نداشتن والدین، مدیران یا مربیان، آموزش‌ها اغلب به صورت حافظه‌محور ارائه می‌شوند. برخی والدین سعی می‌کنند نتایج کار را مستقیماً در غالب توصیه یا تهدید به فرزندانشان انتقال دهند. اگر جامعه‌ای با مهارت‌اندوزی به پختگی لازم نرسد طبق فرمایش امام جواد علیه السلام خسارت و زیان آنها را تهدید می‌کند. ایشان می‌فرماید: «کسی که بدون پشتونه تجربه و مهارت در امری بی‌مهابا اقدام کند، خودش را به سختی می‌اندازد و یا حتی انتظار نابودی می‌رود» (مجلسی، ج ۱۴۰۸ق: ۷۵، ص ۳۶۴).^۲

۴. ایمان و انگیزش

عنصر انگیزشی در اسلام پیوند محکمی با بینش دارد، یعنی هرچه بینش در توحید الهی یکپارچگی بیشتری می‌یابد بر نفوذ و شدت انگیزش در جریان امور زندگی نیز افزوده می‌شود (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۳: ص ۱۹۱). بر اساس منابع دینی آموزش علوم دینی که مسیر زندگی و رابطه فرد را با خود، خدا و محیط روشن می‌کند از مقدمترين و مهم‌ترین وظایف سیستم آموزشی و والدین است (مجلسی، ج ۱۴۰۸ق: ۲۲۳).^۳ بینش و گرایش صحیح و قوی موجب می‌شود تا فرد در تمامی مسیر زندگی همین رابطه و معرفت صحیح با خدا و جهان را محور تمامی فعالیت‌های خود قرار دهد. این حضور نزدیک خداوند در زندگی، علاوه‌بر ایجاد آرامش، اعتماد به نفس و سلامت روان، موجب یکپارچه‌سازی نظام شخصیتی و انگیزشی می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶)؛ از این‌رو، محققانی مانند ادواردز و همکاران^۴ (۲۰۱۰) وینک و میشل^۵ (۲۰۰۸) کندی و کانتامانی^۶ (۱۹۹۵) و دیگران معنویت را از عوامل تقویت‌کننده ایده‌های خلاقانه سنجیده‌اند (پاول و میخانیل، ۲۰۰۸)؛

۱. «مَنْ يُقْصَرْ فِي الْعَمَلِ يَزْدَدُ فَتْرَةً».

۲. «مَنْ افْتَادَ إِلَى الطُّمَانِيَّةِ قَبْلَ الْخَبْرَةِ فَقَدْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْهَلْكَةِ وَالْعَاقِبَةِ الْمُتُعَبَّةِ».

۳. «فَالَّتِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّهِ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَّةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدِيبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُمَ قَلْبُكَ وَيَشْتَغِلَ لُبُكَ».

- 4. A Edwards, N Pang, V Shiu, C Chan
- 5. Wink, Paul; Dillon, Michele
- 6. J.E. Kennedy and H. Kanthamani

کندی و کانتامانی، ۱۹۹۵). البته منظور ایشان از معنویت^۱ «احساس وابستگی و درهم‌تنیدگی عمیق و بهشت شهودی بین انسان و جهانی است که در آن زندگی می‌کند» (کاوانگ، ۱۹۹۹^۲) روشن است که برداشت این تحقیقات از معنویت با ایمان و دینداری^۳ که در قرآن و متون دینی شیعه از پایه‌های خلاقیت به حساب آمده بسیار متفاوت است.

در آیات زیادی از قرآن کریم ایمان و عمل صالح (تقوا) و برگشت به سوی خدا سبب ساز بازشدن درهای برکت،^۴ رحمت^۵ قدرت،^۶ راهکارها^۷ و اشراق^۸ بر فرد می‌شود. آیاتی که در ادامه می‌آیند از آنچاکه کلیت و اطلاق دارند، شامل دستگیری و هدایت خداوند در موضوع خلاقیت و ایده‌پروری در انسان‌های مؤمن می‌شوند:

- خداوند در سوره انفال آيه ۲۹ می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا»: (ای کسانی که ایمان آرودید اگر تقوا داشته باشید (از دستورات الهی پیروی کنید و از نهی او دوری کنید) قوه و قدرت تشخیص به شما داده می شود).
 - و در آیات ۲ و ۳ سوره طلاق می فرماید: «وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»: (و کسی که از خدا بترسد خدا برایش راه نجاتی از گرفتاری ها قرار می دهد و از مسیری که خود او هم احتمالش را ندهد رزقش می دهد و کسی که بر خدا توکل کند خدا همه کاره اش می شود).
 - «اتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۲): (تقوای الهی داشته باشید تا خداوند به شما تعلیم دهد).
 - «وَمَا لَنَا أَلَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبْلَنَا وَ...» (ابراهیم: ۱۲): (ما را چه شود که بر خدا توکل نکنیم در حالی که هر آینه خداوند راه های ما را به ما نشان داده است...).

1. Spirituality

2. Cavanagh

3. Religiousness

٤. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَأَتَقْوَى لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوهَا فَأَخْذَنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ٩٦).

٥. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهُدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (بقرة: ٢١٨).

٦. «وَيَا قَوْمً اسْتَغْفِرُوا رَبِّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا وَيَرْدُكُمْ فُوَّةً إِلَى فُوَّتِكُمْ وَلَا تَنْوِلُوا مُجْرِمِينَ» (هود: ٥٢).

٧. «وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عن كبرى: ٦٩).

٨. «وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُجْعَلَ لَهُ مُخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْسَبُ وَمَن يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسِيبٌ» (طلاق: ٢ و ٣).

تشريح عامل انگیزه در خلاقیت از نگاه اسلام مقاله‌ای مجزا می‌طلبد؛ با این حال، منابع اسلامی با جهت دادن نیروی انگیزشی به درون، اسباب کنترل را عموماً به فرد می‌سپارند. سازوکارهایی که اسلام برای درونی سازی انگیزه درنظر گرفته از این قرار است:

۱. امید؛ جهان‌بینی الهی به انسان مؤمن روحیه امید و خوش‌بینی به حمایت خداوند (فصلت:

(سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۶۴)، مؤمنین (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۲۶)، توان

خود (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳: ص ۱۳۹) و همچنین، نهایت کار (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص

۷۲) می‌بخشد. این روحیه موجب می‌شود علاوه‌بر داشتن پشتوانه محکم، به فرایند کار

و نتیجه آن امید زیادی داشته باشد. توکل و فانی ندیدن تلاش‌ها حتی در صورت شکست

نیز از جوانب دیگر انگیزه بر فرایند کار و ایده‌دهی را تقویت می‌کند (آل عمران: ۱۵۹) و

(تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۶۵۶).^۵

۲. نظارت الهی (حیا): حیا به معنی درک حضور و نظارت خداوند و اولیا است. مشاهده‌ای

همه‌جانبه از جانب خالقی که دانا، توانا و مهربان است و بر بندگان خود ذره‌ای ظلم

نمی‌کند، خوبی‌ها را به چندین برابر پاداش می‌دهد و حسابگری او بر کجی‌های بندگان

ذره‌ای انحراف ندارد (بقره: ۱۴۳)؛ (انعام: ۱۶۰).^۶ باور به این نظارت و مشاهده همراه

با صفات شخصیتی انسان مؤمن، موجب می‌شود تا او توان خود را برای بهتر بودن و

به‌نحو احسن انجام دادن امور به کار بندد.

۳. باور به جهان آخرت و معاد: انسان را از انحرافات و سستی باز می‌دارد، کسی که به آخرت

و حساب دقیق اعمال ایمان دارد تلاش‌های خود را محفوظ می‌داند اگرچه دیگران با

مقیاس‌های بیرونی خود شخصیت او و آفریده‌هایش را کم‌ارزش تلقی کنند، اما او با ایمان

۱. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَسْتَرَّ عَيْنَيهِمُ الْمُلَائِكَةُ أَلَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا فَأَبْشِرُوكُلَّ الْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»؛ «كَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِيءُ مِنَ الْخِيَانَةِ يُنْظَرُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا حَدَى الْحُسْنَيْنِ إِمَّا دَاعِيَ اللَّهِ فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ وَإِمَّا رِزْقُ اللَّهِ».

۲. «الرَّجُلُ السُّوءُ لَا يَطْلُبُ بِأَحَدٍ خَيْرًا لِأَنَّهُ لَا يَرَاهُ إِلَّا يَوْضِفُ نَفْسَهُ، سُوءُ الظَّنِّ بِالْمُحْسِنِ شَرُّ الْإِثْمِ وَأَقْبَحُ الظُّلْمِ».

۳. «وَلَا يَجْهَلُ مَبْلَغُ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ يَقْدِرُ نَفْسِهِ يَكُونُ بِقَدْرِ غَيْرِهِ أَجْهَلَ».

۴. «أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عَنِ الدُّنْيَا عَدِيَّ الْمُؤْمِنِينَ بِي؛ إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا، وَإِنْ شَرًا فَشَرًا».

۵. «وَشَاءُوهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَرَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ وَتَبَوَّأَ الْحَفْضَ وَالْكَرَامَةَ».

۶. «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُوفٌ رَّحِيمٌ»؛ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

به محفوظبودن پاداش تلاش‌هایش چه به نتیجهٔ مطلوب برسد و یا بازماند از رضایت درونی بهره‌مند خواهد شد.

علاوه‌بر این موارد، برنامه‌هایی نیز برای تقویت خودکنترلی در اسلام دیده شده است. مانند تزریق احساس ارزش و کرامت، خودشناسی، هدفمندی، تقویت بنیة علوم دینی، عبادت، نقش تذکری قرآن، توجه به سیره معمصومین علیهم السلام وغیره.

۵. تلاش

به دست آوردن اطلاعات عمومی و تخصصی فراوان و همچنین، تجربه‌ای که برای ایده‌های خلاقانه به کار آید نیازمند تلاش و همت فراوان است. اهمیتی که منابع دینی به تلاش و پشتکار در رسیدن به موفقیت و ایده‌های نو می‌دهند، مؤلفهٔ تلاش را در جای‌جای فرایند خلاقانه وارد می‌کند؛ یعنی طبق الگوی اسلامی خلاقیت، رشد خلاقیت نیازمند این است که روحیهٔ جهادی در علم آموزی، دستورزی و تجربه، آزمودن راهبردهای تفکر، ایجاد انگیزه برای حل خلاقانه مسئله و همچنین، روحیهٔ تلاش و کار جدی در محیط پرورش دهندهٔ خلاقیت شکل گرفته باشد تا الگویی برای دیگران باشد.

خداآوند در آیه ۶۹ سوره عنکبوت می‌فرماید؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُّلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ «کسانی که در راه ما مجاهده می‌کنند ما به‌سوی راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم و خدا همواره با نیکوکاران است. از این آیه و روایاتی که در ادامه می‌آید برداشت می‌شود که ایده‌ها و محصولات خلاقانه در بافت تلاش و پشتکار رشد چشمگیری پیدا می‌کنند. همچنین، این آیه به چند نکته مهم اشاره دارد:

اول، این آیه بر همراهی دائمی تلاش با راهیابی دلالت دارد. به این معنی که خداوند در این آیه تضمین می‌کند هر که در مسیرش تلاش کند ذهن ایده‌پرور و بازی خواهد داشت، راهیابی و خروج از بن‌بست نتیجه‌ای است که در خلاقیت به‌دبال آن هستیم.

دوم، واژه «سُبُّل» نشان‌دهندهٔ تنوع این راهکارها است و می‌رساند که فرد مؤمن اگر در زندگی خود در مسیر الهی قدم بردارد و سرزندگی و تلاش برنامه همیشگی او باشد، در مسائل پیش‌روی خود راهکارهای متنوعی دارد.

سوم، از عبارت پایانی آیه و نسبت‌دادن هدایت به خداوند در متن آیه به‌دست می‌آید که انسان مؤمن علاوه‌بر داشتن ابتكار از پشتونه و حمایت الهی نیز بهره‌مند است و همین امر موجب می‌شود

نتیجه‌گیری

چنانچه گذشت، هرسه الگوی خلاقیت، با تفاوت‌هایی بر نقش انگیزه، تفکر خلاق، پایه اطلاعات و مهارت‌های تخصصی در هر خلاقیتی تأکید می‌کنند. این اجزا در الگوهای سیکرنت میهالی (۱۹۹۴) استرنبرگ و لوبارت (۱۹۹۶) نیز اشاره شده است. با این حال، الگوی اربن نسبت به آمایل، نگاهی جزئی‌تر بر خلاقیت دارد. اربن (۲۰۰۳) تفکر خلاق را تفکر واگرا می‌داند و علاوه‌بر

۱. «اَقْصَرُ هِمَّتَكَ عَلَىٰ مَا يَلْزَمُكَ وَ لَا تَخُضُّ فِيمَا لَا يَعْنِكَ».
۲. «عِنْدَ تَعَاقُبِ الشَّدَائِدِ تَظَهُرُ فَضَائِلُ الْإِنْسَانِ».
۳. «بِالْتَّعَبِ الشَّدِيدِ تُدْرِكُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الرَّاحَةُ الدَّائِمَةُ».
۴. «رَأْيُ الرَّجُلِ عَلَىٰ قَدْرِ تَجْرِيَتِهِ».

تا در شرایط استرس‌زا از آرامش مطلوب که برای خلاقیت به آن نیازمند است بهره‌مند باشد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیانی می‌فرماید: «مَنْ بَذَلَ جُهَدَ طَاقَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ إِرَادَتِهِ»: «کسی که نهایت تلاش خود را در موضوعی به کار گیرد به نهایت چیزی که از آن آرزو دارد خواهد رسید» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۶۳۸). حضرت در این کلام بر راهگشاپون تلاش اشاره می‌کنند. در تلاش نیز روایات از جوانان می‌خواهند که تلاش خود را هدایت شده به کار گیرند و از بذل همت و تلاش در جایی که در گذشته در آن تلاش فکری و عملی انجام نداده‌اند پرهیز کنند. همان حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «هَمَّتْ خُودْ را صَرْفَ چِيزَهَايِيْ كَنْ كَهْ بَهْ آنْ نِيَازْ دَارِيْ وَ آنْچَهْ رَاهْ بَهْ كَارْتْ نَمِيْ آيَدْ پِيْگِيرِيْ مَكَنْ»^۱ (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۱۸۲).

در متون روایی به چگونگی تلاش نیز اشاره شده است. دستیابی به تجربه و تلاش باید مستقیم از طرف متربی و زیرنظر و هدایت مربی باشد. به این معنا که متربی باید به سختی و همراه با تفکر، مهارتی را بیاموزد. معمولاً آموزش تفکر محور به جای استادمحور برای متریبان سخت‌تر است، این نحوه آموزش نیاز دارد تا مربی و شاگرد هر دو نسبت به شیوه قبلی فعالیت بیشتری داشته باشند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «فَضَائِيلُ نَهْفَتَهُ اِنْسَانُ در سختی‌ها خود را نشان می‌دهد» (همان: ص ۱۰۰)^۲ و در جای دیگر می‌فرماید: «بَا سُخْتَنِيْ اَسْتَ كَهْ اِنْسَانْ بَهْ در جَاهَتِ بالا مَيْ رسَد» (همان: ص ۹۹)^۳ و به عنوان یک قاعدة پذیرفته شده بیان می‌فرماید که ایده‌هایی که افراد می‌دهند نیز به پشتونه تجربه ایشان بازمی‌گردد؛ به این معنی که پیش‌بینی ارائه ایده‌های مبتکرانه از افراد پخته و با تجربه نسبت به آنها که تجربه‌ای در آن موضوع ندارند بیشتر است (همان: ص ۳۸۸).^۴

تفکر، واگرایی در رفتار را در اجزای خلاقیت وارد می‌داند، عنصری که در الگوی سیکرنت میهالی و استرنبرگ با «مهارت‌های تفکر» شناخته می‌شود. همچنین، اربن (۱۹۹۱) در پایه اطلاعات و اطلاعات تخصصی علاوه بر داشتن این اطلاعات، داشتن مهارت‌های عملی این اطلاعات را در فرایند خلاقیت دخیل می‌داند، مطلبی که آمایل (۱۹۹۷) با عنوان «مهارت» از آن یاد کرده است. با توجه به منابع اسلامی کلیدوازه‌هایی که رساننده معنای خلاقیت هستند این معنا دست‌کم در مشتقات «حول و فطن» بهتر برداشت می‌شود. اگرچه دیگر کلیدوازه‌ها به منظور دستیابی به خلاقیت در الگوی خلاقیت کاربرد دارند. درنتیجه منابع اسلامی به خلاقیت و مؤلفه‌های شکل دهنده آن توجه ویژه داشته است، چراکه با تحقق عوامل بنیادی، خلاقیت حفظ شده و رشد می‌یابد (علی‌گلی و ساجدی، ۱۳۹۴). الگوی به دست آمده از اسلام شامل مؤلفه‌های زیر است:

چهار عنصر پایه اطلاعات عمومی و تخصصی، تفکر در موضوع همراه با مهارت‌های آن و همچنین، تجربه تخصصی، با وجود تفاوت‌هایی همسو با مطالعات اربن (۲۰۰۳) سیکرنت میهالی (۱۹۹۴) استرنبرگ و لوبارت (۱۹۹۶) و آمایل (۱۹۹۷) هستند. با این حال، تلاش زیاد و همچنین ایمان و انگیزه تأثیرپذیرفته از ایمان در الگوی به دست آمده از اسلام، مؤلفه‌هایی هستند که مخصوص منابع اسلامی هستند. ایمان راستین به جهت خلق شخصیت و محیط بارور کننده خلاقیت تأثیری مستقیم بر این ویژگی انسانی آینده‌ساز دارد (سروگلو و همکاران، ۲۰۰۸؛ وینک و میشل، ۲۰۰۸) با توجه به همایندی انگیزه با ایمان در این الگو انگیزه در کنار ایمان قرار گرفته است و در اسلام به انگیزه درونی نسبت به انگیزه بیرونی توجه بیشتری شده است. البته باید توجه داشت که این به معنای زیرمجموعه‌بودن انگیزه در ایمان نیست.

با توجه به الگوهای تعریف شده شرط دستیابی به خلاقیت‌های بدیع‌تر و فراوان‌تر جمع کردن هرچه بیشتر این عناصر در متربیان یا کارمندان سازمان است. البته از آنجاکه این مؤلفه‌ها بنیادین هستند کاربردی‌سازی آنها در سینین پایین اولویت بیشتری پیدا می‌کنند. پژوهش حاضر به جهت ارائه بسته کاملی از عناصر الگوی خلاقیت، آزادی لازم برای توضیح بیشتر عناصر و بیان کاربردهای عملی آنها را نداشته است. درنتیجه الگوها به صورت خلاصه ارائه شدند. پیشنهاد می‌شود اثربخشی ارائه این الگو بر خلاقیت کودکان به صورت آزمایشی بررسی شود. همچنین، در پژوهش‌های کتابخانه‌ای پیش‌رو برخی از این مؤلفه‌ها و جنبه کاربردی آنها را به صورت مفصل مطرح کردند.

كتابنامه

١. ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق شرح نهج‌البلاغه. نشر کتابخانه مرعشی‌نجفی. قم.
٢. ابن‌اثیر، جزیر. ۱۳۶۷. النهاية فی غریب‌الحدیث. قم. نشر اسماعیلیان.
٣. ابن‌شعبه، حرانی. ۱۳۶۳. تحف‌العقول. تصحیح علی‌غفاری. قم. نشر جامعه مدرسین قم.
٤. ابن‌فارس، احمد. ۱۴۰۴ق. معجم مقاییس‌اللغه. قم. نشر مکتب‌الاعلام‌الاسلامی.
٥. ابن‌منظور، محمد بن‌مکرم. ۱۴۱۴ق. لسان‌العرب. محقق‌میردامادی. بیروت. نشر دارالفنون.
٦. اژه‌ای، جواد. ۱۳۸۳. ویژگی‌های شخصیتی تیزهوشان در پژوهش‌های روان‌شناسی ایران. تهران.
نشر سمپاد.
٧. افروز، غلامعلی. ۱۳۷۸. روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. بی‌جا. چاپ هشتم. نشر
انجمن اولیا و مربیان. تهران.
٨. برنجکار، رضا. ۱۳۷۴. «مفهوم حکمت در قرآن و حدیث». صحیفه‌میبن. شماره ۳.
٩. بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۸۴. روان‌شناسی تربیتی (روش‌های آموزش و یادگیری). تهران. نشر
ویرایش.
١٠. پارسا، محمد. ۱۳۷۴. روان‌شناسی تربیتی. تهران. نشر علمی.
١١. تقی‌ی، مصطفی. ۱۳۸۷. «درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی‌ایرانی توسعه علم و
فناوری». مجله حوزه و دانشگاه. شماره ۵۶.
١٢. تمیمی‌آمدی، عبدالواح، بن محمد. ۱۳۶۶. غرر‌الحكم و درر‌الكلم. قم. انتشارات دفتر تبلیغات
اسلامی.
١٣. تورنس، ئی‌پال. ۱۹۷۹. استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آموزش و پرورش آن.
ترجمه حسن قاسم‌زاده. تهران. نشر دنیای نو.
١٤. جان‌بزرگی، مسعود. ۱۳۸۶. «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان». مجله‌پژوهش در پژوهشی.
دوره ۳۱. شماره ۴.
١٥. حائری زاده خیریه، بیگم. ۱۳۸۱. تفکر خلاق و حل خلاقانه مسئله. تهران. نشر نی.
١٦. حسینی، افضل‌السدات. ۱۳۷۸. ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد. بهنشر.
١٧. خلیل بن احمد، فراهیدی. ۱۴۰۹ق. العین. قم. نشر هجرت.
١٨. خویی. میرزا حبیب‌الله، ۱۴۰۰ق. منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه. محقق ابراهیم میانجی.
تهران. مکتبه‌الاسلامیه.

۱۹. خوانساری، جمال الدین. ۱۳۶۶. *شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحكم و دررالکلم*. تحقیق حسینی ارمومی، چاپ چهارم، ۷ جلد، نشر دانشگاه تهران. تهران.
۲۰. دلاور، علی، ۱۳۸۰. *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران. نشر رشد.
۲۱. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۳. *لغت نامه دهخدا*. تهران. نشر دانشگاه تهران.
۲۲. ری‌شهری محمدی، محمد. ۱۳۷۱. *میزان الحكمه*. قم. نشر اعلام اسلامی.
۲۳. ری‌شهری، محمد، نجکار و مسعودی، ۱۳۷۸. *خردگرایی در قرآن و حدیث*. نشردارالحدیث. قم.
۲۴. سجادی، سیدعلی. ۱۳۸۵. «*خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی*». *معارف اسلامی و حقوق*. شماره ۲۳.
۲۵. سرمهد، زهره. بازرگان عباس. *حجازی الله*. ۱۳۸۵. *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران. انتشارات آگه.
۲۶. سلیمانی، افسین. ۱۳۸۱. *کلاس خلاقیت*. تهران. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۷. سیدرضی. ۱۴۰۷. *نهج البلاغه*. قم. انتشارات دار الهجره.
۲۸. سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴. *الدر المنشور فی تفسیر المأثور*. قم. انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
۲۹. شعاعی نژاد، علی‌اکبر. ۱۳۸۰. *نگاهی نو به روان‌شناسی آموختن یا روان‌شناسی تغییر رفتار*. تهران. نشر چاپخشن.
۳۰. شهید ثانی. ۱۴۰۹. *منیة المرید*. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۱. شریعتمداری، مهدی. ۱۳۸۸. *تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری*. تهران. نشر کوهسار.
۳۲. شهرآری سیدان، فرزاد. «*تحلیل خلاقیت در کودکان: معرفی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت*»، *فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی*. شماره ۶۵. پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
۳۳. شیخ حر عاملی. ۱۴۰۹. *وسائل الشیعة*. قم. مؤسسه آل البيت علیہم السلام.
۳۴. شیخ صدوق. ۱۴۱۳. *من لا يحضره الفقيه*. قم. انتشارات جامعه مدرسین قم.
۳۵. ———. ۱۳۶۲ ش. *الأمالی*. تهران. نشر دارالكتب الإسلامية.
۳۶. صمدآفایی، جلیل. ۱۳۸۰. *تکنیک‌های فردی و گروهی خلاقیت*. تهران. نشر آموزش مدیریت دولتی.
۳۷. طباطبائی، محمد حسین. ۱۳۷۴. *المیزان*. ترجمه موسوی همدانی. قم. نشر جامعه مدرسین قم. چاپ پنجم.

٣٨. ١٣٧٨. **نهاية الحكمه.** تصحیح فیاضی غلامرضا. قم. نشر مؤسسه امام خمینی (ره).
٣٩. طبرسی، رضی الدین، حسن بن فضل. ١٤١٢ق. **مکارم الأخلاق.** قم. انتشارات شریف رضی.
٤٠. طبرسی، حسن بن محمد. ١٣٧٠. **مکارم الأخلاق.** قم. نشر شریف رضی. چاپ چهارم.
٤١. طوسی، محمدبن حسن. ١٤١٤ق. **الامالی.** قم. نشر دارالثقافه.
٤٢. علی بن الحسین علیه السلام. ١٣٧٦. **الصحیفه السجادیه.** نشر الهادی. قم.
٤٣. علی گلی، جعفر؛ ساجدی، ابوالفضل. ١٣٩٤. **رشد خلاقیت و شاخص‌های آن در اسلام و روان‌شناسی.** قم. نشر مؤسسه امام خمینی (ره).
٤٤. قاسمی، فرشید؛ اقلیدس، طاهره. ١٣٨٤. «بررسی تأثیر آموزش درس "پرورش خلاقیت در کودکان" بر افزایش خلاقیت دانش آموزان دختر سال سوم کودکیاری». مجله نوآوری‌های آموزشی. شماره ١٣.
٤٥. قراملکی، احد. ١٣٨٣. **اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی.** نشر حوزه علمیه، قم.
٤٦. کفایت، محمد. ١٣٧٣. «بررسی شیوه‌های فرزندپروری با خلاقیت و». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. سایت www.irandoc.com.
٤٧. کلینی. ١٣٦٥. **الكافی.** تهران. نشر دارالکتب الإسلامية.
٤٨. —. ١٣٧٥. **اصول کافی.** ترجمه کمره‌ای. قم. انتشارات اسوه. چاپ سوم.
٤٩. گای‌آر، لفرانسو، ١٣٨٠، روان‌شناسی برای معلمان، ترجمه فرجامی هادی. مشهد. نشر بهنشر.
٥٠. لیشی واسطی. ١٣٧٦. **عيون الحكم والمواعظ.** محقق حسنی بيرجندی. قم. نشر دارالحدیث.
٥١. مجلسی. ١٤٠٤ق. **بحار الأنوار.** لبنان. نشر مؤسسه الوفاء بیروت.
٥٢. محدث نوری. ١٤٠٨. **مستدرک الوسائل.** قم. نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٥٣. محمدبن‌بابویه. ١٤١٣ق. **من لا يحضره الفقيه.** ٤ جلد. تصحیح غفاری. قم. انتشارات اسلامی. چاپ دوم. قم.
٥٤. مجلسی، محمدباقر. ١٤٠٤ق. **مرأة العقول.** محقق محلاتی. تهران. نشر دارالکتب الاسلامیه.
٥٥. مجلسی. محمدتقی. ١٤٠٣ق. **بحار الانوار.** دار إحياء التراث العربي. بیروت. چاپ دوم. ١١٠ جلد. بیروت. لبنان.
٥٦. مصباح‌یزدی، محمدتقی. ١٣٨٣. به سوی او. قم. انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
٥٧. مصطفوی، حسن. ١٣٦٨. **التحقيق في كلمات القرآن الكريم.** تهران. نشر سازمان ارشاد.

۵۸. معین، محمد. ۱۳۶۲. فرهنگ معین. تهران. نشر امیرکبیر. چاپ پنجم.
۵۹. نورعلیزاده، مسعود. ۱۳۹۰. «رابطه خدا آگاهی با خود آگاهی». پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه امام خمینی. قم.
۶۰. نوری، ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل. قم. نشر آل البيت.
۶۱. ورام بن ابی فراس. ۱۳۶۹. مجموعه ورام. تهران. دارالکتب الإسلامية.

62. Adams, Karlyn, 2005. **The Sources of Innovation and Creativity**. National Center on Education and the Economy.
63. Amabile Teresa, **Creativity & Innovation in Organizations**, Harvard Business school, 1996 January.
64. _____. 1997. **Creativity & Innovation in Organizations**. Harvard Business School.
65. _____. 1997. **Motivating Creativity in organism**, California Management review. VOL 4. NO1.
66. _____. 1983. “**The social psychology of creativity: A componential conceptualization**”. Journal of Personality and Social Psychology. Vol 45(2). P 357-376.
67. Berammer L .M, Abrego P, Shostrom E.L. 1993. **Therapeutic counseling and psychotherapy**. 6th edition. Prentice Hall,.
68. Brown, R. T. 1989. **Creativity: What are we to measure?** In J. A. Glover, R. R. Ronning & C. R. Reynolds (Eds.). Handbook of creativity. P.3-32. New York: Plenum Press.
69. _____. 1989. Creativity: what we are to measure? In Torrance, E. P., Glover, J.A., Ronning, R.R. and Reynolds, C.R. (Eds.) (1989). Handbook of creativity. Perspectives on individual differences (p. 3-32). New York; London: Plenum.
70. Cavanagh G, 1999. "Spirituality for managers: context & critique". Journal of organizational change management. 12(3). p 186-199.
71. Chan Kuo, 2011. “**Toward a Synthesis Framework for the Study of Creativity in Education: An Initial Attempt**”. Educate. Vol 11. No1. p. 65-75.

72. Chan Kuo, Hsu, 2011. “**Critical Review toward a Synthesis Framework for the Study of Creativity in Education: An Initial Attempt**”. Educate Journal. Vol 11. No 1.
73. Csikszentmihalyi Mihaly, Feldman. David Henry, Howard Gardner. 1994. **Changing the world: a framework for the study of creativity**. Praeger.
74. Csikszentmihalyi, M. 1999. **Implications of a systems perspective for the study of creativity**. In R. J. Sternberg (Ed.). Handbook of creativity. Cambridge: Cambridge University press. p 313-335
75. Edwards A., N. Pang, V. Shiu and C. Chan, 2010. “**Review: The understanding of spirituality and the potential role of spiritual care in end-of-life and palliative care: a meta-study of qualitative research**”. Palliat Med 24: p 753.
76. Ferrari Anusca, Romina Cachia and Yves Punie, 2009. **Innovation and Creativity in Education and Training in the EU Member States: Fostering Creative Learning and Supporting Innovative Teaching Literature review on Innovation and Creativity in E&T in the EU Member States (ICEAC), Technical Note**: JRC 52374.
77. Feist. Gregory J. 1998. “**A meta-analysis of personality in scientific and artistic creativity**”, personality and social psychology review perssocpsychol rev , vol. 2, no. 4, pp. 290, 309.
78. Ginsburg, Golda S. Bronstein Phyllis, 2008. “**Family Factors Related to Children’s Intrinsic/Extrinsic Motivational Orientation and Academic Performance**”. Child Development. 64(5). p1461 – 1474.
79. Gruber, H.E. 1988. “**The Evolving System Approach to Creative Work. Creativity**”. Research Journal. V1. p 27-51.
80. Hayes, J. R. 1989. **Cognitive processes in creativity**. In J. A. Glover, R. R. Ronning & C. R. Reynolds (Eds.), Handbook of creativity (pp. 135-145). New York: Plenum Press.
81. Kennedy J.E. and H. Kanthamani, 1995. “**Association between Anomalous Experience and Artistic Creativity and Spirituality**”. The Journal of the American Society for Psychical Research. Volume 89. p 333-343.

- ۲۳۹
۸۲. Karlyn Adams, 2006. **The Sources of Innovation and Creativity**. National Center on Education and the Economy.
۸۳. Mayer, R. E. 1999. “**Fifty years of Creativity Research**”. In R.J. Sternberg (ed.) *Handbook of Creativity*, p. 449-460. London: Cambridge University Press.
۸۴. Pike Robert W, 2002. **Creative Training Techniques Handbook Third Edition**. HRD Press Inc, Amherst, Massachusetts.
۸۵. Politis, J. D. 2004. “**Transformational and Transactional Leadership Predictors of the ‘Stimulant’ Determinants to Creativity in Organizational Work Environments the Electronic**”. *Journal of Knowledge Management Volume 2 Issue 2*. p 23-34.
۸۶. Root-Bernstein, R. & Root-Bernstein, M. 1999. **Sparks of Genius: The Thirteen Thinking Tools of the World’s Most Creative People**. Houghton Mifflin: New York.
۸۷. Saroglou Vassilis, Coralie Buxanta & Jonathan Tilquin. 2008. “**Positive emotions as leading to religion and spirituality**”. *The Journal of Positive Psychology. Volume 3. Issue 3*.
۸۸. Spooner. Marc, 2004. “**Generating integration and complex understanding: exploring the use of creative thinking tools within interdisciplinary studies**”. *Issues in integrative studies. vol 22*.
۸۹. Sternberg, R. J. and Lubart, T. I. 1991. “**An investment theory of creativity and its development**”. *Human Development, 34*, 1-32.
۹۰. Sternberg, R. J., & Lubart, T. I. 1996. “**Investing in creativity**”. *American Psychologist, 51(7)*. p 677–688.
۹۱. Sternberg, Robert & Todd Lubart. 1991. “**An Investment Theory of Creativity and its Development**”. *Human Development. V34*. p 1-32.
۹۲. Sternberg, Robert J, 1999. **Handbook of Creativity**. Cambridge CB2 2ru uk.
۹۳. Sternberg, R. J., & Lubart, T. I. (1995). **Defying the crowd**. New York: Free Press.
۹۴. Tanawat hirunyawipada. 2007. **How componential factors and constraint enhance creativity in .the development of new product ideas**,

- dissertation prepared for the degree of doctor of philosophy. University of north texas.
95. Thomas B. Ward. 2006. **Creativity - A Handbook for Teachers**. World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
 96. Urban, K.K. 1991. “**On the development of creativity in children**”. Creativity Research Journal. 4 (2). P 177-191.
 97. _____ . 2001 “**The international handbook of giftedness and talent**”. Authors:K. A. Heller, F. J. Mönks, R. SubotnikRobert J. Ste,USA, Pergamon, p 490.
 98. _____ 2003. **Assessing Creativity: A Componential Model. Creativity: A Handbook for Teachers**. AI - Girl TANT. Singapore Scientific Publishing.
 99. _____ 2011 http://klaus.urban.phil.unihannover.de/imperia/md/content/de/unihannover/phil/klaus_urban.
 100. Ward, Thomas B. 2007. "Creative cognition as a window on creativity, Department of Psychology". Methods. 42. p28–37.
 101. Weisberg, R. W. 1999. **Creativityand knowledge: A challenge to theories**. In R. J. Sternberg (Ed.), Handbook of creativity. P 226-250. Cambridge: Cambridge University press.
 102. Wink, Paul; Dillon, Michele, 2008. "Religiousness, spirituality, and psychosocial functioning in late adulthood". Psychology of Religion and Spirituality. Vol S, 1. P 102-115.
 103. Yasha aggarwal & neha bhatia. 2011. “**Creativity and innovation in management**”. International Journal of Multidisciplinary Research. Vol.1 Issue 5. ISSN 2231 5780.